**هو اللّه**

ای يار مهربان اوآرگان نامه نامی كه اثر كلك عنبرين بود بكمال فرح مطالعه شد صد شكر كه مژده صحّت وجود ذيجود عالی را داد سبب مسرّت وجدان شد و باعث راحت دل و جان گشت تفصيلی از سياحت اين سفر ذكر فرموده بوديد ان شاء اللّه در اين جهان سفرهای با روح و ريحان خواهيد فرمود و امّا سفر حقيقی روحانی خوشتر و دلكشتر است چه كه اين سفر از عالم خاك بجهان پاكست و از حيّز لا بساحت دلگشای الّاست در دمی شرق و غرب طيّ شود و در ساعتی قدم بعرصه قدم در آيد انسان حكم طائر ساكن و ساكن طائر و جاری منجمد و منجمد جاری يابد حقيقت جامعه انسانيّه بجميع شئون و آثار و احكام و اطوار و تشخّصات و تعيّنات در حيّز وجود و ظهور تحقّق يابد ای رفيق شفيق اگر همّتی داری و فسحتی طلبی و سياحتی جوئی و سير و تفرّجی خواهی اوّل چشم از عالم و عالميان بپوش و از مردم و آدميان بگذر از اوج قبول منقطع شو در كنج خمول چون اين آوارگان مأوی كن و از هر فكری و ذكری آزاد شو و در جميع آن منتظر شرب كأس فنا شو و مترصد هجرت از اين خراب آباد بجان عزيزت قسم كه تا از آنچه ديده و شنيده‌ايم نگذريم و بكلّی منقطع الی اللّه نشويم و از نام و ننگ چشم نپوشيم و صدور را از هر وهم و خيالی مجرّد ننمائيم و در گوشه بی‌توشه‌ئی بذكر خدا فارغ از ما سوی نشويم و بخود مشغول نگرديم فسحت حقيقی نيابيم و سياحت روحانی نكنيم پس تا توانی بخود مشغول شو زيرا حقيقت بشريّه اگر چه مستغرق در ظلمات كونيّه است لكن مقتبس از انوار و اسرار مبدأ حقيقی و افق قدس عالم وجود است چون بخود مشغول شود نورانيّت تزايد نمايد و همه انوار گردد و سرّ حقيقت عليكم بانفسكم آشكار شود سالهاست كه بمشاهده آيات آفاقيّه چشم را روشن نموديم حال خوبست چندی نيز بكشف آثار و آيات انفسيّه مشغول شويم يعنی سر خويش گيريم و از عالم نوش و نيش در گذريم در زاويه فقر صرف مأوی كنيم و در گوشه فنای محض اعتكاف نمائيم تا اين كأس بقا را از دست ساقی فقر و فنا ننوشيم در انجمن ياران شمعی نيفروزيم و در خلوتخانه دل مشعلی مشتعل ننمائيم مثلی است مشهور ايّام را چندی وقف مطرب و می نمائيم ما نيز چندی اوقات را محصور بتوجّه و تنوير حقيقت خويش كنيم تا ملاحظه كنيم كه از افق اعلی و ملكوت اسمی چه فيوضاتی ظاهر و لائح گردد از بخل آوارگان و سخاء ديگران مرقوم فرموده بوديد فقير بينوا چه انفاق نمايد و محتاج پشيز چه چيز احسان كند توانگرانند كه خوان نعمت نهند و ابواب بخشش بگشايند الحمد للّه آنجناب بر سفره مهنّا و خوان مهيّا وارد شديد و از جميع نعماء و الآء موجوده يافتيد گرسنگی در كاشانه فقرا و بی‌برگی لانه ضعفا را فراموش البتّه نموديد ديگر شكايت چرا و روايت از چه رو مگر آنكه بگوئيم از عالم قناعت گذشته‌ايد و ابواب طلب مزيد را گشاده‌ايد و از اين گذشته ما نه مرشديم نه مسترشد نه مريديم نه مراد نه مدّعی علميم و نه مدّعی كمال آوارگانيم بی سر و سامان و بی نوايانيم بی برگ و مستمند و پريشان نهايت آشفته جمال دلبريم و دلداده كوی مهوشيم دردمند طبيب الهی هستيم و مستمند توانگر معنوی مرغ ضعيفيم لكن گرفتار دام او هستيم پشه حقيريم لكن در پناه سليمان كشور رحمانی هستيم و از اين گذشته چون ببازار جوهريان گذری نه تجلّی ياقوت رمّانی بينی و نه جلوه لعل بدخشانی نه لؤلؤ لالا مشاهده كنی و نه درّ درّی يكتا لكن چون بدكه خزفيان بگذری امواج خذف بينی كه مكشوف موج ميزند و تلال شيشه بدل ملاحظه نمائی كه برق ميزند لكن صد هزار بار خزف بدانه گوهری برابری ننمايد تفسير سور و آيات قرآن مجيد را خواهش فرموديد چيز مختصری مرقوم شد لكن چون ميدان مقابليست خوش نداشتم ارسال نمايم لهذا باقی گذاشتم و از اين گذشته اين آيات رنّه لاهوتيّه و نغمه رحمانيّه است اين طيور بال و پر شكسته را چه توانائی كه در اين فضاء وسيع و اوج رفيع پرواز نمايد مگر "لَا يَعْلَمُ تَأْوِيْلَهُ إِلَّا اللّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِی العِلْمِ" را ملاحظه نفرموده‌ايد اين عبد خود را تشنه قطره‌ئی از بحر علم مشاهده مينمايد و اينكه چيزی مرقوم شد نظر بخواهش آنجناب بود خبر پر مسرّتی شنيدم و بسيار مسرور و ممنون گشتم كه اراده نموده‌ايد كه بمجمع دينی در امريكا تشريف ببريد و بسط حقيقت دين مبين الهی و حقيقت قرآن عظيم و علوّ منقبت تعاليم الهی را بفرمائيد اين عزم بسيار مقبول و محمود چه كه اهالی آن صفحات ابداً ازحقائق قرآن و اساس دين مبين و شريعت سيّد ولد عدنان خبری ندارند بعضی روايات مفتريه و اوهامات كاذبه شنيده‌اند و بآن اكتفا نموده‌اند بسيار خوبست كه از اسرار مصحف كريم و حقائق تعاليم و روش و سلوك و اخلاق و اعمال بزرگان پيشين و قواعد و قوانين و اصول و فروع دين مبين اسلام با خبر شوند و نبوّت خاصّه سيّد المرسلين ثابت و محقّق گردد و فی الحقيقه شما اگر در اين امر عظيم و خطب جسيم همّتی بفرمائيد اجر جزيل و تأييد ربّ جليل مقرّر و محتوم است و چنين امريرا مثل شمائی بايد اقدام نمايد چه كه سائرين از عهده بر نميايند از خدا ميطلبيم كه تأييد و توفيق عنايت فرمايد و خبر و تفاصيل را باوضح عبارات مفصّلاً بما خبر دهيد كه سبب سرور و شادمانی وجدانی گردد باقی هميشه بر سرير شادمانی مستقرّ باشيد و السلام.

 مؤرّخه ١٥ ذی القعده سنة ١٣١٠ (عبدالبهاء عبّاس)